

نهضت تولید محتوای مردمی راهبرد بازخوانی تجربیات در گام دوم انقلاب اسلامی

جمال یزدانی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

ورود به مرحله دوم انقلاب اسلامی برای خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، با فهم دوباره و بازخوانی تجربیات انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف میسر است. برای وصول به این هدف باید مبانی نظری و سیر تاریخی تجربیات انقلاب را دانست و دلایل تاریخی غفلت جمهوری اسلامی از ثبت تجربیات زیسته انقلابیون را تحلیل نمود؛ به همین دلیل در این پژوهش تلاش شده تا با روشی توصیفی تحلیلی و مبتنی بر اسناد تاریخی به بازخوانی عرصه‌های متنوع نهادهای مردمی مانند امنیت، روستا، هنر، اقتصاد، و... و ظرفیت‌های هرکدام از آن‌ها برای تجربه‌نگاری پرداخته شود. پس از شناسایی ظرفیت‌ها، به راهکارهای کلان تحقق این هدف، ذیل بیانیه گام دوم که شامل نهضت تولید محتوای مردمی، تبیین الگوی نظری، گفتمان‌سازی الگوها و پیاده‌سازی راهبردها است، پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

تجربه زیسته، نهضت تولید محتوا، نهاد مردمی، امام-امت



مقدمه

انقلاب اسلامی که بیش و پیش از همه، حاصل یک اندیشه و نوعی قرائت از اسلام ناب است، باید در حوزه اندیشه‌ای بتواند همیشه خود را به‌روز نگاه دارد. در واقع موتور محرکه انقلاب اسلامی، اعتقاد علمی و عملی به این نوع قرائت خاص است (خمینی، ج ۲۱: ۲۷۷-۲۷۸).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که در طلیعه چهل سالگی انقلاب اسلامی از سوی رهبر انقلاب مدظله‌العالی تدوین و ارائه شد را باید ذیل این محور اساسی فهمید؛ هرچند در ابتدا چنین به نظر می‌رسید که تصمیم جدید یا حرف خارق‌العاده‌ای در آن بیان نشده است. کارکرد بیانیه، بیش از تأثیرگذاری اجرایی - به‌دلیل ماهیت انقلاب اسلامی - تأثیرگذاری معرفتی و راهبردی است. در واقع بیانیه به ارائه صورت‌بندی جدیدی از اسلام ناب که برای تداوم حرکت انقلاب اسلامی نیاز است، می‌پردازد؛ بنابراین، گرچه جزئیات بیانیه نکته جدیدی ندارد؛ اما صورت‌بندی آن ترکیب جدیدی را ایجاد کرده است. در واقع این مکتوب توان ایجاد فضای بین‌الذهانی میان نخبگان و توده مردم را دارد.

یکی از محورهای مهم اشاره شده در این بیانیه که مبنای این مقاله نیز محسوب می‌شود، اولین اقدام راهبردی است که رهبر انقلاب مدظله‌العالی برای تداوم انقلاب اسلامی در گام دوم مطرح کرده‌اند: «اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اول درباره گذشته است. عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه خود یا گوش سپردن به تجربه دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید ... برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

این تدبیر بارها از سوی رهبر انقلاب مدظله‌العالی با مخاطبین مختلف مطرح شده است، از جمله در جمع نیروهای دانشگاه امام حسین علیه‌السلام که این امر را به‌عنوان وظیفه این دانشگاه دانسته‌اند: «تجربه‌های متراکم انقلاب را، این تجربه‌های انبوه این ۳۷ سال را تدوین کنید. این یک کار علمی است، یک پژوهش علمی - تاریخی است. امروز ما احتیاج داریم به اینکه



یک نگاهی به گذشته داشته باشیم؛ راه‌هایی که آمدیم، کارهایی که کردیم، کارهایی که کردند، تجربه‌هایی که از سر گذراندیم، این نشیب و فرازهای عجیب و غریبی که در سر راه بوده است و انقلاب توانسته خود را از این پیچ و واپیچ راه‌های گوناگون پیش ببرد به سمت اهداف و متوقف نشود، این احتیاج به تدوین دارد؛ این احتیاج به کار علمی دارد. دانشگاه شما دانشگاه متفاوتی است، البته این خطاب من فقط به دانشگاه شما نیست، به همه دانشگاه‌ها و به همه مراکز علمی و به حوزه‌های علمیه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

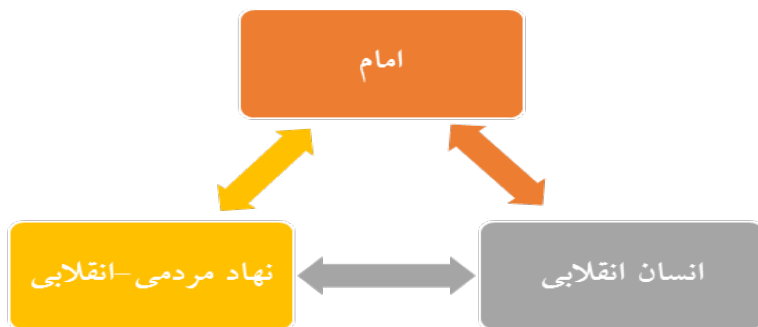
اما متأسفانه برای تحقق و عملیاتی‌سازی این راهبرد محوری، طرح مدونی در دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام تاکنون ارائه نشده است، درحالی که طبق تأکید ایشان در بیانیه گام دوم، اولین و پایه‌ای‌ترین راهبرد در گام دوم انقلاب محسوب می‌شود. در این پژوهش تلاش می‌شود تا در چهار بخش به ارائه الگویی در این راستا پردازیم.

ابتدا به مبانی و سیر تاریخی تجربیات انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت و به دلایل غفلت نیروهای انقلاب اسلامی اشاره می‌کنیم. در بخش دوم به بازخوانی عرصه‌های مختلف تجربیات انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت و به شرح مختصری در هر حوزه بسنده خواهیم کرد. در پایان نیز راهکارهای کلان عملیاتی در این حوزه را پیشنهاد می‌کنیم.

۱) مبانی و سیر تاریخی تجربیات انقلاب اسلامی

۱-۱) سه‌گانه مبانی بازخوانی تجربه انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به‌عنوان پدیده‌ای الهی که حاصل مجاهده تاریخی جامعه ایرانی بود، حاصل تعامل میان سه بخش امام، انسان انقلابی و نهاد مردمی-انقلابی بود. در ذیل به صورت مختصر به تبیین هرکدام از این پایه‌ها می‌پردازیم:



نگاره ۱: سه‌گانه تعاملی در تجربه انقلاب اسلامی

۱-۱-۱) امام

اما در رأس تجربه انقلاب اسلامی قرار دارد. حضرت امام رحمه‌الله‌علیه در نوفل لوشاتو در مصاحبه با خبرنگار روزنامه‌ای ایتالیایی، امام را اینگونه تعریف می‌کنند:

[ممکن است معنی دقیق «امام» را تشریح کنید؟ در معنی کلی آن و در موقعیت خود شما، لقب «امام» که در تظاهرات میلیون‌ها ایرانی در ماه محرم به شما داده شده چیست؟ رابطه امام با حزب‌الله چیست؟]

- امام به معنی پیشوا و کسی که جمعی را در جهتی هدایت و رهبری می‌کند و امام بیان‌کننده خط مشی شیعه و حزب‌الله و رهبری‌کننده این تشکیلات بزرگ فراگیر است که تمامی وظایف آنان را از قرآن و سنت پیامبر اسلام در زمان‌های مختلف و شرایط مختلف اجتهاد و استنباط می‌کند و به آنان ابلاغ می‌نماید (خمینی، ج ۵: ۴۰۸).

بنابراین، اولین پایه بررسی تجربه انقلاب اسلامی، تبیین و تدوین تجربه امام در جامعه ایمانی است. ابعاد بازخوانی تجربه امام شامل مبانی، سیره فردی و اجتماعی، ابزارهای امامت، راهبردها و راهکارهای مدیریتی و... می‌شود.

در یک بررسی اجمالی از فضای علمی و رسانه‌ای، می‌توان دریافت که در این حوزه کارهای بسیار زیادی انجام شده است؛ بنابراین، در بازخوانی تجربه انقلاب اسلامی، کار بر روی این بخش فوریت ندارد و تنها باید به اصلاح رویکردها و توزیع آثار تولیدی پرداخت.

۱-۱-۲) انسان انقلابی

پایه دوم تجربه انقلاب اسلامی، شناخت انسان انقلابی است. انسان انقلابی حاصل فرایندی تربیتی است که مبنای نظری خود را مبتنی بر نظریه اسلام ناب/اسلام آمریکایی بنا می‌کند و از میان همه ویژگی‌ها و خصوصیات که باید متربی مبتنی بر معارف دینی واجد آن‌ها باشد، برخی خصوصیات را محور فعالیت تربیتی خود قرار می‌دهد و مبتنی بر رشد این خصوصیات در متربی، تلاش بر کسب حداکثری دیگر خصوصیت‌ها می‌نماید (یزدانی، ۱۳۹۷: ۱۴-۱۷).

این مفهوم، توصیفی واقعی و عینی، به دست آمده از انسان کنشگر در پدیده انقلاب اسلامی است که دارای این ویژگی‌ها است:



یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های انسان انقلابی، توجه به مسائل اساسی زندگی اجتماعی است. تحول از انسان میان‌تهی از کارهای مربوط به سرنوشت خود به انسانی که به مسائل روز، امور مملکتی، مسائل سیاسی و تفکر در امور خود توجه می‌کند. میزان ارتباط انسان انقلابی دهه ابتدایی انقلاب با کتاب، مجلات و... این تغییر محوری را اثبات می‌کند که انقلاب اسلامی، انسان‌هایی متوجه به تفکر و دغدغه‌مند در امورشان را به وجود آورده بود؛ به همین دلیل توجه به سرنوشت نهایی، فکر و ذهن این نوع انسان را درگیر خود می‌نماید (صحیفه نور، ج ۱۴: ۳۱۷؛ ج ۱۵: ۳۱۰؛ ج ۱۷: ۱۵۸؛ ج ۶: ۳۴۷؛ ج ۹: ۱۷۷-۱۷۹ و ۱۹۷ و ج ۱۶: ۳۱۴).

یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد انسان انقلابی، تحول از حالت طبیعی به حالت الهی است. انسان مبتنی بر فطرتی که دارد، ذاتاً و ابتدائاً الهی است؛ ولی بر اثر یک‌سری عوارضی که در زندگی فردی و اجتماعی بر او بار می‌شود، به وضعیتی طبیعی گرفتار می‌شود؛ اما انسان انقلابی، به خاطر تحولی که در درونش رخ داده است، به آن وضعیت الهی باز می‌گردد. در اثر این انتقال، موضوعاتی از قبیل «خدا»، «اسلام»، «استقلال» و «آزادی» در متن ذهن و عمل او قرار می‌گیرد. در این حالت، انسان خوش‌گذران و بی‌دغدغه نسبت به مسئولیت‌های انسانی و اسلامی به انسان مجاهد مبدل می‌شود (صحیفه نور، ج ۱۷: ۱۱۸؛ ج ۷: ۳۹۹؛ ج ۶: ۳۴۷؛ ج ۸: ۴۲۵-۴۲۶ و ج ۹: ۱۷۹ و ۱۹۷).

انسان انقلابی، اراده تعاون دارد. شکل‌گیری نهادهای انقلابی، مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی و نهضت سوادآموزی حاصل این روحیه است. عشق به مردم و تواضع و محبت به آن‌ها نیز ناشی از همین روح جمعی و تعاون است (صحیفه نور، ج ۹: ۴۰۸؛ ج ۱۱: ۵۳۴؛ ج ۱۷: ۲۱۱-۲۱۲ و ۳۰۴ و ج ۱۶: ۱۳۰).

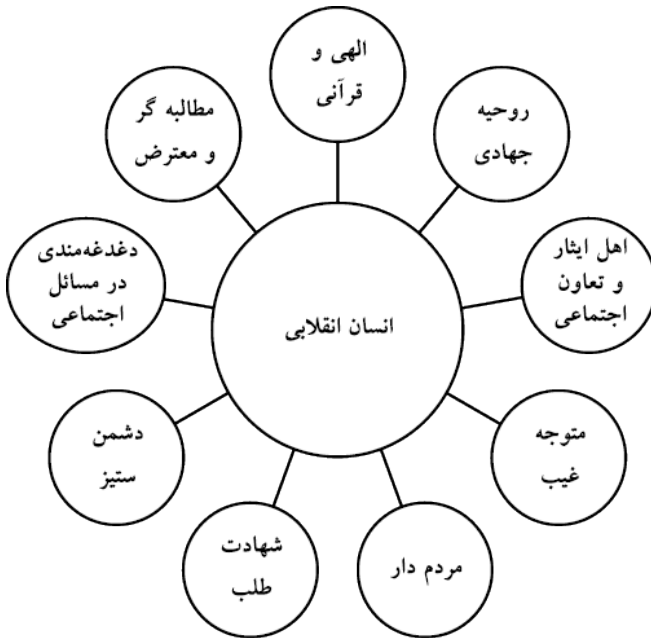
خصوصیت دیگر انسان انقلابی، شجاعت و از بین رفتن ترس‌های فردی و اجتماعی است؛ به همین دلیل انسان انقلابی نه فقط از مرگ نمی‌هراسد، بلکه عاشق آن است و شهادت طلبی و عشق به مرگ را به‌عنوان یک سرنوشت نهایی برای خود تلقی می‌کند (صحیفه نور، ج ۶: ۴۹۰-۴۹۳؛ ج ۷: ۲۶۵-۲۶۶؛ ج ۹: ۲۲۵ و ۲۷۴؛ ج ۱۲: ۲۸۸ و ج ۱۶: ۳۱۴).

تحول از رفاه‌طلبی به سلحشوری و روحیه اعتراض و مطالبه‌گری در انسان انقلابی به‌عنوان انسانی معترض وجود دارد؛ به همین دلیل، انسان انقلابی هیچ‌گاه به وضع موجودش



راضی نیست و نسبت به آن عصیان‌گرا و نفی‌گراست و با جبهه باطل و همه مصادیق آن سر ناسازگاری دارد؛ به همین دلیل، تحول به انسان دشمن‌شناس و مقاوم در برابر دشمن، بعد دیگر انسان انقلابی است. همه این خصوصیات، نسبت جدیدی بین انسان انقلابی با اسلام و قرآن ایجاد می‌کند.

در مجموع، حاصل این خصوصیات در انسان انقلابی باعث می‌شود او در هر صحنه‌ای که مورد نیاز انقلاب اسلامی باشد، اعم از نرم، نیمه‌سخت یا سخت، حضور پیدا کند و اثرگذار باشد (صحیفه نور، ج ۴: ۲۶۰؛ ج ۷: ۶۰؛ ج ۱۰: ۳۷۵ و ج ۱۲: ۹۱ و ۳۶۷). بنابراین، در یک شمای کلی، آنچه در تربیت انقلابی در اولویت قرار می‌گیرد و ماهیت اصلی این سنخ تربیت را شکل می‌دهد، این‌گونه است:



نگاره ۲: خصوصیات انسان انقلابی

در زمینه انسان انقلابی و بازخوانی تجربه آن نیز کارهای زیادی انجام شده است. این امر عمدتاً در حوزه انسان شهید، به‌عنوان الگوی تام انسان انقلابی متمرکز و محدود به بازه زمانی دفاع مقدس و دفاع از حرم شده است. عمدتاً درباره انسان انقلابی در میدان نبرد نظامی پژوهش شده است؛ ولی محتوا درباره انسان انقلابی در دیگر حوزه‌ها کمتر وجود دارد. در



این بخش نیز گرچه از جهت این خلأ اولویت وجود دارد؛ ولی به نسبت پایه سوم تجربه انقلاب اسلامی، فوریت ندارد.

۱-۳) نهاد مردمی-انقلابی

پایه سوم تجربه انقلاب اسلامی، نهاد مردمی-انقلابی است. انقلاب اسلامی برای اداره جامعه، متناسب با گفتمان و با همکاری انسان انقلابی، نهادهایی را در حوزه‌های مختلف تأسیس نمود. برای شناخت بیشتر این پایه، باید ابتدا به تعریف نهاد مردمی پردازیم.

نهاد مردمی چیست؟ به صورت طبیعی، نهادی اجتماعی است که مردم آن را به وجود آورده‌اند. در واقع وقتی فرهنگ یک گروه، قوم یا امت خاصی به یک سازوکار نظم‌یافته و تکرارشونده برای رفع نیازهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... به یک قوم خاص با فرهنگی خاص مبدل شوند، به آن نهاد می‌گوییم. در واقع نهادها در یک فرهنگ خاص ایجاد می‌شوند، از آن تغذیه می‌کنند و باعث ثبات و تفسیر آن فرهنگ می‌شوند؛ به تعبیری دیگر نهادها، شکل‌یافته معانی موجود در جهان معنایی مردمی با فرهنگی خاص هستند. این شکل‌یافتگی هم با مشارکت و کنشگری همه مردم صورت می‌پذیرد؛ بنابراین، شناخت معانی جهان فرهنگی آن قوم و تجربه کنشگرانه‌شان باعث شناخت آن نهاد شکل‌گرفته می‌شود. نهادهای مردمی ریشه در تاریخ تفکر و ساختارهای اجتماعی، سیاسی و... یک جامعه دارد و بسیار ریشه‌دار است و به این سادگی نه تحول می‌پذیرد و نه از بین می‌رود (فیاض، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

حاصل طرح بحث مذکور آن است که بین نهادها و سنت‌های تاریخی و فرهنگی یک جامعه ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ بنابراین، کسانی که با سنت بومی سر ناسازگاری دارند و به دنبال مدرنیسم هستند، این نوع نهادهای برآمده از شعور مردمی و سنت‌های رایج در جامعه به طور تاریخی را تحمل نمی‌کنند و آن‌ها را ضد علم و پویایی می‌دانند و سعی در براندازی آن‌ها دارند؛ اما تعامل دیگری با نهادها هم می‌تواند صورت بگیرد. اگر متناسب با شرایط زمانه و معانی جدیدی که وارد جامعه می‌شود، قدرت نهادسازی براساس معانی جدید از میان برود، آنگاه نهادها ممکن است کارکرد خود را از دست بدهند.

امام در جامعه ایرانی، اندیشه اسلام انقلابی را در دست گرفت و از این رهگذر، روحیه انقلابی و عمل انقلابی را در جامعه راکد و مدرنیته‌شده استبداد و استعمار دامن زد؛ ولی



این امر از طریق نهادهایی صورت گرفت که ریشه در سنت و هویت تاریخی جامعه ایرانی داشت. مسجد و هیئت، دو نهاد مردمی بودند که نقشی بی بدیلی در ایجاد انسان انقلابی بازی کردند. فعال شدن ظرفیت اثرگذاری جریان ساز این دو نهاد به واسطه طرح بحث معنای اسلام انقلابی از سوی امام بود (خمینی، ج ۱۳: ۳۶۰).

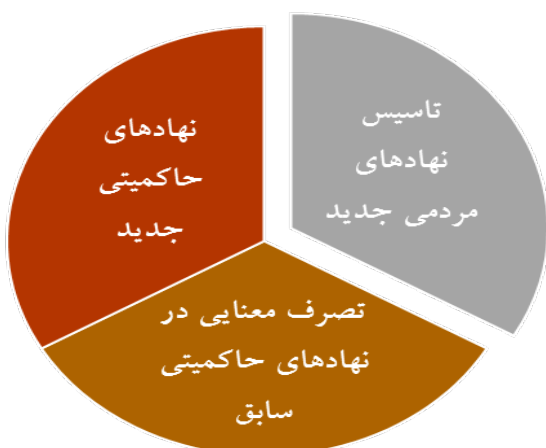
انقلاب که محقق شد و نظام سیاسی-اجتماعی جدید که حاکم شد، باید می توانست با شرایط پیش آمده و ظرفیت عظیم مردمی که به واسطه نهضت و جنبش، هویت جدید آزاد شده بود، نهادهای متناسب با خود را ایجاد کند. نهادهای انقلاب اسلامی در سه دسته اصلی خود را نشان داد:

الف) نهادهای حاکمیتی جدید: متناسب با ساختار جدید سیاسی جمهوری اسلامی، نهادهای حاکمیتی جدیدی به وجود آمدند، مانند ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، سازمان تبلیغات اسلامی و...

ب) تصرف معنایی در نهادهای حاکمیتی سابق: بسیاری از نهادهای حاکمیتی سابق باقی ماندند؛ ولی برخی از نهادها تغییراتی را از سر گذارند، مثلاً نهاد دانشگاه دچار انقلاب فرهنگی شد. نهاد آموزشی کشور با اضافه شدن امور تربیتی به دنبال تحقق معانی جدید شد، با اضافه شدن گزینش مکتبی در جذب نیرو و...

ج) ایجاد نهادهای مردمی جدید بر بستر نهادهای مردمی موجود: امام اما علاوه بر نهادهای فوق، به نهادهای جدید مردمی هم دست زد. با توجه به نقش بی بدیلی مسجد در تحقق انقلاب اسلامی و ریشه دار بودن این نهاد تاریخی و هویتی بر بستر مسجد، نهادهای جدید بسیاری برای تحقق نیازهای انسان و جامعه انقلابی ایجاد کرد؛ چون می دانست اگر روحیه و اقدام انقلابی مردم تداوم پیدا نکند، دیگر انقلاب به عنوان موجودی زنده و دارای اراده تداوم نخواهد یافت. بسیج مستضعفین، شوراهای محلی، صندوق های قرض الحسنه، جهاد سازندگی و... همه و همه نسبتی وثیق با مسجد می یابند و کار خود را بر این بستر تداوم می دهند. مسجد نزدیک ترین نهاد به چهارچوب امام-امت به عنوان نظریه بنیادی انقلاب اسلامی محسوب می شود.





نگاره ۳: انواع نهادسازی انقلاب اسلامی

به طور خلاصه باید گفت در زمینه نهادهای انقلاب اسلامی، مطالعات کمی صورت گرفته است. بسیاری از نهادها از میان رفته‌اند، مشارکت‌کنندگان و مدیران این نهادها نیز یا از دنیا رفته‌اند، یا دسترسی به آن‌ها بسیار سخت است، درحالی‌که اگر بناست در گام دوم انقلاب اسلامی در محور دولت‌سازی تغییر بنیادینی صورت گیرد، بدون داشتن و بازخوانی تجربه نهادهای مردمی-انقلابی نمی‌توان به این دست یافت.

بنابراین، در یک جمع‌بندی اولیه می‌توان گفت در ثبت و تدوین تجربه انقلاب اسلامی، این پایه هم اولویت و هم فوریت دارد و باید نهادهای علمی و رسانه‌ها ذیل بیانیه گام دوم بر این حوزه متمرکز شوند؛ بنابراین، ما در این پژوهش به تفصیل درباره این پایه از تجربه انقلاب اسلامی سخن خواهیم گفت.

۱-۳) نهادسازی براساس چهارچوب امام-امت

نهادسازی از ویژگی‌های بزرگ انقلاب و از توانمندی‌های بی‌بدیل امام خمینی رحمه‌الله‌علیه بود. چیزی که سال‌هاست از خاطره مدیران و فعالان انقلابی کشور رفته و حالا در نگاه بسیاری از کارشناسان دلسوز، فقدان آن پیشرفت انقلاب را کند کرده است. باید برای بررسی نهادهای انقلابی به سوالاتی پاسخ داد.

- این تجربه بزرگ براساس یک حرکت بالا به پایین شکل گرفته بود یا بالعکس؟



- براساس یک سیاست‌گذاری در شوراهاى راهبردى و اقماری و مبتنی بر یک‌سری اسناد راهبردى شکل گرفته بود یا در طرح امت و امامت؟

اگر حرکت نهادسازی نظام اسلامی را براساس قرائت فن‌سالاران نفهمیم و در این بخش نیز کلیشه‌شکنی انسان انقلابی را مبنا بدانیم، دیدگاه دیگری وجود دارد که پاسخ به چگونگی پیشرفت را در چهارچوب امت، امامت تدارک می‌بیند. در این چهارچوب، انقلاب هنوز پیروز نشده است و مردم هنوز باید در صحنه باشند. مردم از خیابان‌ها به خانه باز نمی‌گردند، به مساجد می‌روند برای سازمان‌دهی مجدد؛ به‌منظور آمادگی برای دور جدیدی از مبارزه که به مراتب سخت‌تر از قبل است. امام مرتب و روزی چندبار با مردم دیدار می‌کنند. در این دیدارها، اغلب سخن از همین ایده‌ناتمام بودن انقلاب است و کارهای پیش رو. امام از مردم می‌خواهد که همچنان در صحنه باقی بمانند. مبارزه تمام نشده و فقط صورت آن عوض شده است. این دو خط و تفاوت‌هایش با مراجعه به آرشیو مطبوعات وقت، کاملاً مشهود است.

پاسخی که در دل مناسبات اول مطرح می‌شود، پیشرفت از طریق دولت است و پاسخی که در دل مناسبات امام و امت تولید می‌شود، پدیده‌ای استثنائی است که بعدها «نهادهای انقلاب» نام می‌گیرد.

مرحله اول: تقابل دو رویکرد ملی-انقلابی

یکی از سخنان پرتکرار اعضای دولت موقت در این دوران، طرح شعار حکومت در حکومت بود. براساس تحلیل آن‌ها از شرایط وقت، نهادهای انقلاب اقدام به ایجاد یک دولت در درون دولت کرده‌اند؛ از این رو، دولت بازرگان تلاش بسیاری می‌کرد تا حد امکان کارویژه‌های نهادهای انقلاب به‌وسیله بروکراسی موجود انجام شود و اگر بنابر تشکیل یک نهاد است، این نهاد باید ذیل دولت و به‌عنوان یک ارگان دولتی باشد و نه یک نهاد انقلابی.

به‌عنوان نمونه هنوز دو ماه از انقلاب نگذشته بود که احمد صدر، حاج‌سیدجوادی، وزیر کشور دولت وقت، تقاضای انحلال کمیته‌های انقلاب را داد؛ ولی ۹ ماه پس از پیروزی انقلاب، دولت تکنوکرات لیبرال‌ها تقریباً به هیچ‌یک از خواسته‌های خود در برابر نهادهای انقلاب نرسیدند و نهایتاً در راه همین مقابله‌ها بود که سقوط کرد؛ اما آنچه جالب توجه است، روایتی است که اعضای برجسته دولت موقت از تشکیل و طبعاً ماهیت نهادهای انقلاب دارند (نامخواه، ۱۳۹۵).



به‌عنوان نمونه ابراهیم یزدی حدود سه دهه بعد «جهاد سازندگی» را محصول جلساتی دانست که الهام‌گرفته از ایده‌ای از سفر به کوبا و تجربه آن‌ها در سازندگی با جمعی از جوانان در دفتر نخست‌وزیری داشته است، درحالی‌که با مراجعه به مطبوعات وقت روشن می‌شود یک ماه پیش از سفر یزدی به کوبا، پیام امام رحمه‌الله‌علیه صادر شده و جهاد سازندگی در چهارچوب امت و امامت تشکیل شده بود (قافله‌باشی، ۱۳۹۷).

مرحله دوم: تقابل دو رویکرد دولتی-جهادی

بعد از این تقابل صریح اولیه، تقابل بعدی در دوره‌ای است که موضوع سازندگی و پیشرفت، مسئله اول کشور می‌شود. مبتنی بر این نگاه، زمزمه انحلال نهادهای انقلاب بار دیگر آغاز شد. آیت‌الله خامنه‌ای تنها سه روز پس از رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه دربرابر ایده انحلال یکی از مهم‌ترین نهادهای انقلاب موضع‌گیری صریح کرده و این‌چنین استدلال می‌کنند: «من معتقدم اگر ما امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را نمی‌داشتیم، باید آن را به وجود می‌آوردیم. اینکه بعضی‌ها پس از پذیرش قطعنامه در گوشه‌وکنار -داخل و بیرون از سپاه- با زبان‌های مختلف، زمزمه‌هایی درست کردند که سرنوشت سپاه چه خواهد شد؟ به اعتقاد من این زمزمه‌ها یا ناآگاهانه و ناهشیارانه بوده یا بدخواهانه و مغرضانه. من به برادران عزیزمان در مسئولیت‌های بالای سپاه این تعبیر را مکرر گفته‌ام که بسیار نابخردی است که مسئولان یک نظام، مطمئن‌ترین بازوی قدرتمند را قدرناشناسی کنند یا آن را از دست بدهند یا تضعیف کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۷).

اما در پایان این دهه، این حرکت «ناآگاهانه» یا «مغرضانه»، پروژه ناتمامش درباره سپاه پاسداران را در ارتباط با بسیاری از نهادهای انقلاب به سرانجام می‌رساند. کوچک‌سازی، استحاله، ادغام، انحلال، مدیریت دولتی و ناکارآمد، بدل ساختن به کلپ‌های اقتصادی و کارتل‌های شبه‌دولتی و... سرنوشتی است که نهادهای انقلاب اسلامی پیدا می‌کنند.

دولتی‌های جدید به نیروهای انقلابی می‌باوراند که اساساً سازندگی یک امر دولتی است، نه جهادی؛ لذا از دولت‌مردان به «سرداران سازندگی» تعبیر و به رئیس دولت «سردار کبیر سازندگی» اطلاق می‌شود؛ اما در همین حال، دولت‌مردان می‌کوشند برای نیروهای انقلاب مسئولیت جدیدی تعریف کنند. اینجاست که نقش نیروهای انقلاب به‌عنوان پیشتازان مردم،



در حاشیه توسعه و در ارتباط با کارهایی همچون کویرزدایی، درخت کاری و چکاندن قطره فلج اطفال تعریف می شود، به عنوان نمونه رئیس جمهور وقت در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۷۰ می گوید: «بسیج می تواند با استفاده از نیروهای بسیجی، طرح های عمرانی از جمله کویرزدایی، درخت کاری و سایر کارهایی که در این زمینه جهاد سازندگی انجام می دهد، حضور فعال داشته باشد.»

البته این نگاه به نوعی بر کلیت کابینه دولت وقت حاکم است؛ چنانکه وزیر فرهنگ دولت سازندگی، نگاه دولت به بسیج و نیروهای انقلاب را به خوبی تشریح کرده و بسیجی ها را به عنوان «ظرفیت بومی توسعه» تلقی می کند (نامخواه، ۱۳۹۵).

اینجاست که نقش نیروهای انقلاب، به عنوان پیشتازان مردم، در حاشیه توسعه و در ارتباط با کارهایی همچون کویرزدایی، درخت کاری و چکاندن قطره فلج اطفال تعریف می شود و در اثر این سیاست هاست که به نوعی مردم از صحنه اصلی کشور کنار گذاشته می شوند. نقطه هشدار رهبر انقلاب^{مدظله العالی} در این زمینه دقیقاً آنزوی جریان پیشروی اجتماعی، نیروهای انقلاب و بسیجی است؛ همان وضعی که در اثر تفکر سازندگی در دستگاه های دولتی روی داده بود.

«اگر این ارزش ها را نگه داشتید، نظام امامت باقی می ماند. آن وقت امثال حسین بن علی علیهما السلام دیگر به مذبح برده نمی شوند؛ اما اگر این ها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را که هیچ چیز نمی خواهد، جز اینکه میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کنند، در انزوا انداختیم و آن آدم پرروی افزون خواه پرتوقع بی صفای بی معنویت را مسلط کردیم چه؟ ... نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه گیر شود.»

و با تأکید بر دو مدل سازندگی می فرمایند: «این را می گویند سازندگی. این، یک مجاهدت است، یک جهاد فی سبیل الله است. هرکس که در این مجاهدت شرکت کند، جهاد کرده است. کسی که در راه اداره و حفظ جامعه اسلامی که یک واجب بزرگ است، گامی برداشته، خیلی باارزش است؛ اما آن طرف قضیه، مادی گری است، ماده پرستی است، دنیا طلبی است. آن، یک حرف دیگر است» (خامنه ای، ۱۳۷۱/۴/۲۱).



۴-۱) تبیین غفلت تاریخی نیروی انقلابی و دلایل آن

در اینجا در مقام تعیین مقصر ارتجاع اجتماعی از ارزش‌های انقلاب در دهه ۷۰ و خروج قطار انقلاب از ریل اصلی نیستیم. شکی در این نیست که تکنوکرات‌ها هنگام خروج قطار انقلاب از ریل اصلی، بر آنچه اعتقاد داشتند، عمل نمودند؛ اما نقش نیروهای انقلابی و بسیجی بسیار مبهم است. در زمانه‌ای که رهبر انقلاب^{مدظله‌العالی} مفاهیم اجتماعی اسلام، مانند امر به معروف را بازخوانی می‌کردند تا بسیجی‌ها را به «وسط میدان» بکشانند، نیروهای انقلاب جای مسائل اصلی و فرعی را در دستگاه محاسباتی خود تغییر داده بودند.

رهبر انقلاب^{مدظله‌العالی} در این زمینه می‌فرماید: «امروز عده‌ای به اسم سازندگی، خودشان را غرق در پول و دنیا و ماده‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است ... بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلت‌های اصلی انقلاب زنده بماند ... چندی پیش گفتم همه امر به معروف و نهی از منکر کنند. الآن هم عرض می‌کنم نهی از منکر کنید. این، واجب است. این، مسئولیت شرعی شماست. امروز مسئولیت انقلابی و سیاسی شما هم هست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۴/۲۲).
یا در جای دیگر رسماً حکم جهاد علیه طبقه مرفه جدید را صادر می‌کنند: «کسانی هستند که تلاش می‌کنند و حقیقتاً درصدد این هستند که طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند. به خاطر انتخاب‌ها و انتصاب‌ها و زرنگی‌ها و دست‌وپاداری‌ها و مشرف بودن بر مراکز ثروت و از طریق نامشروعی که با زرنگی آن را یاد گرفته‌اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه‌ای جدید، طبقه ممتازان و مرفهان بی‌درد درست کنند. نظام اسلامی با مرفهان بی‌درد و معارض و مخل، آن‌طور برخورد سختی کرد؛ حال از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقه مرفه بی‌درد جدید طلوع کند! مگر این شدنی است؟!» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۴/۲۵).

این حکم جهادها از سوی نیروهای انقلاب علی‌رغم تبلیغات منفی جدی گرفته شد. به نظر می‌رسد در آن دوران، بسیج، بیش از آنکه در وسط میدان تعریف شده باشد، در وسط میدانی که دیگران تعریف می‌کردند، قرار داشت. اما امروز می‌توان ادعا کرد که نیروهای انقلاب در حوزه جهاد با طبقه مرفه جدید و امر به معروف و نهی از منکر سیاسی-انقلابی، علی‌رغم کاستی‌ها تلاش‌های خوبی را صورت داده است.

اما این تبیین از غفلت در آن دوران تاریخی به چه دلایلی اتفاق افتاده است؟ شناخت دلایل این امر باعث می‌شود تا بتوانیم در ادامه مسیر و تعریف راهکارهای جدید از آن‌ها پرهیز نماییم.



۱-۴-۱) عدم ثبت علمی تجربه نهادهای مردمی

انسان انقلابی در بعد رسانه‌ای و علمی از تجربه متراکم نهادهای مردمی در دهه شصت غفلت نمود. بدین معنا که هیچ تلاشی برای ثبت و ضبط تجربه زیسته مردم در حوزه‌های مختلف صورت نگرفت. جامعه علمی و دانشگاهی این مواد خام را تحلیل و بررسی نکردند؛ درحالی‌که این تجربه در همه ابعاد و نظامات اجتماعی از سوی امت رقم خورده بود و می‌توانست دستمایه بسیاری از پروژه‌های علمی قرار گیرد؛ اما دانشگاه متأثر از نظریات غربی به جای آنکه بر دامن معرفت حاصل از شعور عمومی به واسطه کنش انسان انقلابی بنشیند و آن را توصیف و تبیین نماید، در حاشیه مدیریت کارگزار قرار گرفت و آن‌ها را توجیه کرد.

۱-۴-۲) عدم مواجهه علمی با اندیشه امام و رهبری

از سویی به واسطه فضای مغشوش دهه شصت به خاطر تهدیدهای امنیتی و نظامی و بعد از آن تمرکز بر محور سازندگی، بی‌توجهی انسان انقلابی به رویکرد علمی داشتن به اندیشه امام و رهبری باعث شد تا بسیاری از نکات و طرح مسائل از سوی امامین امت به مثابه توصیه‌هایی اخلاقی فهم شود و چندان جدی گرفته نشود، به طور مثال راهبرد محوری حضرت امام به آقای سیدحمید روحانی در سال ۱۳۶۷ مبنی بر نگارش تاریخ انقلاب اسلامی مبتنی بر صوت و تصویر محرومین و توده مردم از سوی هیچ قشری تقریباً جدی گرفته نشد.

«اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۲۳۹).

۱-۴-۳) ضعف در ضریب رسانه‌ای دادن

علاوه بر دو دلیل فوق، رسانه نیز از پوشش دادن این تجربه عظیم مردمی غفلت کرده است. به هنگام بررسی رسانه‌های مکتوب دهه شصت و بالتبع رسانه‌های مؤثر در دهه‌های آینده، باز هم نسبت به این تجربه پوشش ضعیفی وجود دارد، به طور مثال در زمینه فعالیت‌های هنری مردمی در مساجد استان خراسان رضوی، شاید به اندازه ۵ خبر جدی و تفصیلی در روزنامه بومی آن استان در ده سال ابتدایی انقلاب وجود ندارد.



همچنین، تجربه انقلاب اسلامی در نهادهای مردمی در رسانه ملی نیز جایگاهی ندارد. در صنعت سینما نیز بازنمایی نشده است، مثلاً فیلم سینمایی در شان انقلاب اسلامی و زحمات نیروهای انقلاب درباره جهاد سازندگی، بسیج، نهضت سوادآموزی و... به اندازه کافی تولید نشده است.

۱-۴-۴) محدود شدن مفهوم جمهوریت در ذهن انقلابیون

به واسطه تضعیف نهادهای مردمی و بالتبع کم‌رنگ شدن نقش‌های مردمی در حوزه‌های مختلف و گسترده شدن دولت به‌عنوان فعال مایه‌ها در همه امور، باعث شد تا مفهوم جمهوریت در اذهان نیروی انقلابی به حضور صرف مردم در حوزه سیاسی محدود شود و انتظار عمومی از نهادهای حاکمیتی افزایش یابد؛ در حالی که نهادهای حاکمیتی هر چقدر هم که خوب و منزه مدیریت شوند، بدون وجود نهادهای مردمی نمی‌توانند توقعات و انتظارات را برآورده کنند، چه برسد به آنکه خود، دچار سوءمدیریت یا فساد نیز بشوند.

۱-۴-۵) حذف به‌جای بازخوانی و بازپیرایی

البته باید بپذیریم نهادهای مردمی تازه‌تأسیس برای پوشش دادن به نیازهای مردم در حوزه‌های مختلف دچار نواقص و اشکالاتی بودند و گاه ناخواسته مشکلاتی را برای مردم به وجود می‌آوردند؛ ولی ذات این نهادها چون برآمده از فکر و اراده انسان انقلابی و بر بستر نهادی تاریخی و هویتی قرار داشت، می‌توانست حرکت نظام را متفاوت از مسیر معمول اداره حکومت به پیش ببرد؛ ولی در یک غفلت تاریخی که عمدتاً ناشی از دو حوزه علم و رسانه بود و تلاش مداوم کارگزاران فن‌سالار برای کم کردن اندیشه انقلابی، به‌جای آنکه نواقص این تجربه عظیم مردمی برطرف شود و با اصلاحاتی به حیات خود ادامه دهد، تا حد ممکن کم‌رنگ گردید.

۲) بازخوانی عرصه‌های نهادهای مردمی-انقلابی

اکنون بعد از فهم مبانی و سیر تاریخی تجربیات انقلاب اسلامی، باید به ابعاد مختلفی که این تجربه برای امت رقم زده است، پرداخت.

۲-۱) امنیت مردمی

به صورت طبیعی بعد از تحقق انقلاب اسلامی، اولین مسئله‌ای که مخاطب اجتماعی با آن روبه‌رو است، حوزه امنیت است. تا امنیت در کار نباشد، کار علمی صورت نمی‌گیرد، کار و کاسبی رونق نمی‌گیرد، ذهن‌ها برای برنامه‌ریزی و حرکت کردن آرام نمی‌گیرند. مردم انقلابی به دستور امام برای امنیت در برابر سرفت، اختلافات و نزاع‌های اجتماعی و... همچنان در صحنه انقلاب باقی مانده‌اند، خود برای حفظ امنیت محلاتشان دست به کار می‌شوند. جوانان محلات با محوریت بزرگان محلی و رهبری امام جماعت مسجد، به نگرهبانی از محله با روش‌های بسیار خلاق و ابتدایی می‌پردازند. این فعالیت‌های محلی کم‌کم باعث می‌شود «کمیته‌های انقلاب» شکل بگیرند.

۲-۲) نظام‌سازی مردمی

مرحله بعد از تأمین امنیت، سازماندهی مردمی برای استقرار نظام سیاسی است. جامعه‌ای که کمترین تجربه‌ای در رأی دادن و نظام انتخابگری مسئولین را داشته است، اکنون باید آماده شود. نسبت به این حوزه توجه شود. فرایند رأی‌گیری را بشناسد. موضوع انتخاب را بشناسد و بر سر صندوق رأی حاضر شود. باز اینجا مساجد نقش محوری را بازی می‌کنند. این بار صندوق‌های رأی برای تصمیم‌گیری نوع نظام حاکمیتی در مساجد مستقر می‌شود و این خود مردم هستند که فرایند رأی‌گیری را صفر تا صد مدیریت می‌کنند. بر آن نظارت می‌کنند و امنیت رأی‌دهی را تأمین می‌نمایند.

۲-۳) محله‌سازی مردمی

اما انسان انقلابی بعد از این مرحله وارد سازماندهی محلی شد. در شهرها و روستاها بعد از تأمین امنیت، آنچه اولویت داشت، شناخت گروه‌های اجتماعی، وضعیت زندگی آن‌ها و سازوکار ارتباط‌گیری آن‌ها و رفع نیازهای محلی، ارتباط‌گیری با ادارات، منتقل کردن امکانات و... بود که همه و همه نیاز به نهادی مردمی داشت. این نهاد نیز حاصل رأی مستقیم مردم بود و بدین ترتیب «شوراهای محلی شهری» شکل گرفتند. رأی‌گیری از سوی خود مردم مدیریت شد و باز این مسجد بود که محور این محله‌سازی قرار گرفت. از آمارگیری محلی



تا رفع اختلافات خانوادگی، توزیع امکانات، حل مسائل عمرانی، بهداشت محیط، انتقال درخواست‌های مردمی، جمع‌آوری پول برای انجام کارهای مهم محله، رسیدگی به محرومین محلی و... همه فعالیت‌هایی بودند که خود مردم انجام آن را بر عهده گرفتند.

۲-۴) روستاسازی مردمی

اما گرچه به‌واسطه آنچه از رژیم گذشته به جای مانده بود، از بین رفتن روستاها و محرومیت شدید آن‌ها بود، انسان انقلابی وظیفه خود دید تا این محرومیت تاریخی را جبران نماید؛ به همین دلیل جوانان تحصیل‌کرده انقلابی علم‌دار، مأمور ساخت روستاها و انتقال آرمان‌های انقلاب به این قشر محروم جامعه شدند. بدین ترتیب نهاد مردمی «جهاد سازندگی» شکل گرفت.

رویکرد همه‌جانبه‌نگر انسان جهادی در روستا باعث شد تا روستاییان، انگیزه حرکت پیدا کنند و از سویی دیگر مردم در شهر نیز نسبت به تحول در روستا حساس شوند و به صرف وقت برای حل مسائل و نیازهای روستاها بپردازند. همه ابعاد موردنیاز از امنیت گرفته تا زیرساخت‌های عمرانی و بهداشت و آموزش و... همه و همه مدنظر انسان جهادی قرار گرفت. این تحول جدی در کوتاه‌مدت رخ داد. جهاد، با شروع جنگ تحمیلی تجربه خود را در حوزه مهندسی جنگ و پشتیبانی از آن وارد کرد و تا پایان جنگ، یکی از ارکان اداره جنگ محسوب می‌شد.

۲-۵) سوادآموزی مردمی

یکی دیگر از ابعاد حرکت مردمی انقلاب اسلامی در حوزه ارتقاء سواد عمومی مردم است. آنچه برای امام اهمیت دارد، این است که مردم بتوانند آنچه می‌دانند را به اشتراک بگذارند و قدرت انتخاب خود را بالا ببرند؛ بنابراین، سواد بن‌مایه رشد و تربیت انسان است؛ به همین دلیل بسیاری از زنان و مردان که حتی تجربه‌ای در تدریس و آموزش رسمی نداشتند، برای توسعه انسان انقلابی و آرمان‌های انقلاب اسلامی به سراغ رفع بی‌سوادی رفتند، حجم عظیم ساعت‌های آموزشی که به صورت مردمی گذاشته شد تا پایه سواد در کشور شکل بگیرد. تجربه نهضت سوادآموزی، تجربه‌ای منحصر به فرد از تعامل با انسان‌های محروم از سواد است.



۲-۶) صدور انقلاب مردمی

انقلاب اسلامی از ابتدای امر داعیه‌ای جهانی داشته و براساس دوگانه استکبار-استضعاف سعی بر مرزبندی جدی با قدرت‌های جهانی داشته است؛ بنابراین، از همان ابتدا ارتباط با گروه‌های آزادی‌بخش در اقصا نقاط جهان، ارتباط گرفتن با ملت‌های مستضعف و دربند دیکتاتورهای داخلی، به‌خصوص در جهان اسلام، الهام‌بخش انقلاب‌های مردمی در کشورهای مختلف در آن دوره در بخش‌های مختلف بود؛ اما همان‌طور که در بقیه ابعاد اداره امورات اجتماعی، ظرفیت‌های مردم را فعال کرده بود، در ارتباطات بین‌المللی نیز همین اتفاق افتاد.

حضور گروه‌های دانشجویی و مبارزین انقلابی جهانی از سوی گروه‌های مردمی در ایران، باب دیپلماسی غیررسمی انقلاب را باز کرده بود. موضع‌گیری‌های متفاوت و از موضعی دینی در جهان برای بسیاری از فعالان خسته از قدرت‌های بزرگ بسیار جذاب بود؛ به همین دلیل رفت‌وآمد این افراد و تعامل با گروه‌های مردمی داخل ایران در حوزه بین‌المللی باعث شکل‌گیری روابط انقلابی شد. تجربه «نهضت‌های آزادی‌بخش» شهید منتظری، آموزش‌های نظامی در لبنان، سمینارهای بین‌المللی تحکیم وحدت و... همه و همه تجارب نهادهای انقلابی در حوزه صدور انقلاب محسوب می‌شوند.

۲-۷) حفظ آرمان‌های مردمی

از روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی، بحث از حفظ و حراست انقلاب اسلامی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام و انقلابیون بود. در واقع انقلاب، آرمان‌ها و ارزش‌های فطری و تغییرناپذیری داشت که ممکن بود به دلایل مختلفی منحرف، محو یا فراموش شود؛ به همین دلیل جوانان انقلابی برای حفظ آن‌ها دغدغه‌مند شدند. آن‌ها برای خود این‌طور تعریف کرده بودند که هر نوع اختلال یا اخلاقی از سوی جریان‌های داخلی مانند متحجرین، روشنفکران، نیروهای ملی-مذهبی، سلطنت‌طلب یا جریان‌های خارجی به نمایندگی از مستکبرین مسلط بر امورات جهانی، باید توسط نیروهای آماده‌ایدئولوژیک پاسخ داده شود تا نهال انقلاب آسیبی نبیند؛ به همین دلیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شکل گرفت.



«سپاه پاسداران» ابتدا با توجه به حجم فعالیت‌های عقیدتی و ایدئولوژیک گروهک‌ها و بعداً خرابکاری‌ها و ایجاد ناامنی‌ها و ترورها در بخش‌های مختلف، برنامه محوری خود را در این حوزه قرار داد. با شروع جنگ تحمیلی فعالیت خود را از رویکردی فرهنگی-ایدئولوژیکی و امنیتی به نظامی توسعه داد. این نهاد تجربیات بسیار مؤثری را در ابعاد مختلف حفظ آرمان‌ها رقم زد.

۲-۸) سازماندهی مردمی

امام معتقد بود که مساجد همیشه مبدأ حرکت‌های مردمی و سازماندهی مستضعفین برای تقابل با مستکبرین بوده است؛ به همین دلیل از مردم می‌خواهد تا مسجد را سنگر قرار دهند. این تعبیر باعث شد تا بسیاری از جوانان انگیزه پیدا کنند و مسجد را به سنگر مبدل سازند. مسجد قبل از انقلاب هم بود؛ اما خنثی بود و تنها به برگزاری نماز جماعت در آن اکتفا می‌شد. به‌واسطه نهضت حضرت امام، دوباره ظرفیت‌های مغفول مساجد در آماده‌سازی امت فعال شد. حضور مردم در مساجد اما نیاز به سازماندهی و جهت‌دهی داشت، البته این امر نه از سوی حاکمیت، بلکه از سوی خود مردم صورت گرفت. این سازماندهی نیروهای مردمی برای حضور در عرصه‌های مختلف انقلاب در مساجد، نام «بسیج مستضعفین» به خود گرفت و انسان بسیجی را خلق کرد. حتی مبتنی بر سازماندهی نظری امام درباره مسجد (سنگر بودن مسجد) این نهاد «پایگاه» نام گرفت.

پایگاه البته به مسجد محدود نماند و در هر جایی که امکان سازماندهی آحاد مردم برای حفظ دستاوردهای انقلاب وجود داشت، خود را توسعه داد؛ کارخانه‌ها، ادارات، اصناف، مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها و...

۲-۹) هنر مردمی

یکی از عرصه‌هایی که انقلاب آن را به روی مردم باز کرد، آن را از حالت نخبگانی خارج کرد و از آن برای رشد امت استفاده نمود، عرصه هنر بود. هنر و توجه به قالب‌های متنوع آن از ابتدا مدنظر امام بود، به همین دلیل نیروهای انقلابی به صورت خودجوش، فعالیت‌های



هنری را در دل مساجد به راه انداختند. از تجربه امیرحسین فردی در مسجد جواد برای تربیت نویسندگان تا فعالیت‌های هنری مسجد مالک اشتر در مشهد و راه‌اندازی گروه‌های سرود مردمی در بسیاری از نقاط کشور، شکل‌گیری حوزه اندیشه و هنر انقلاب به صورت خودجوش، همه و همه تجربیات نهادسازی جدی انقلاب اسلامی در حوزه هنر است.

۲-۱۰) اقتصاد مردمی

در محور اقتصاد نیز انقلاب اسلامی تجربه‌هایی جدی را رقم زده است، البته باز هم یکی از مهم‌ترین نهادهای مردمی در حوزه اقتصاد بر محوریت مسجد شکل گرفت. صندوق‌های قرض‌الحسنه و همین‌طور تعاونی‌های مردمی هم بخشی از این تجربه بودند. علاوه بر آن، نهادهای مردمی محرومیت‌زدایی که خود امام مستقیماً آن‌ها را تأسیس کرد، جزء همین مجموعه تجربه در حوزه اقتصاد محسوب می‌شوند؛ کمیته امداد، حساب صد امام و...

۳) تداوم نهادسازی تا امروز

نهادهای مردمی-انقلابی با این گستره و تنوع، گرچه در طول زمان به دلایلی که بدان اشاره شد، حذف، ادغام یا مسخ شده‌اند؛ ولی انسان انقلابی به واسطه اتکا به آرمان‌ها و ارزش‌های مطلق، فطری و تغییرناپذیر اسلام انقلابی، ذیل مدیریت امام جامعه تلاش کرده است برخی از آن نهادها را حفظ کند یا نهادهای جدیدی را جایگزین نهادهای از میان رفته نماید.

به‌طور مثال، جریان اردوهای جهادی در روستاهای محروم، خود تداوم‌یافته جهاد سازندگی در روستاسازی بوده است. جشنواره مردمی فیلم عمار را می‌توان جایگزین نهاد دولتی شده حوزه هنری دانست. بسیج مستضعفین علی‌رغم تغییرات و مداخلات غلط سپاه پاسداران در دهه‌های گذشته، به صورت آتش به اختیار در برخی نقاط و فعالیت‌ها، مردم را در جهت آرمان‌های انقلاب اسلامی سازماندهی کرده است.

بنابراین، ضروری است تا تجربه فعلی و درحال وقوع نهادهای مردمی جدی گرفته شود تا جریان انقلابی دچار غفلتی که در دهه شصت به آن گرفتار شد، نشود.

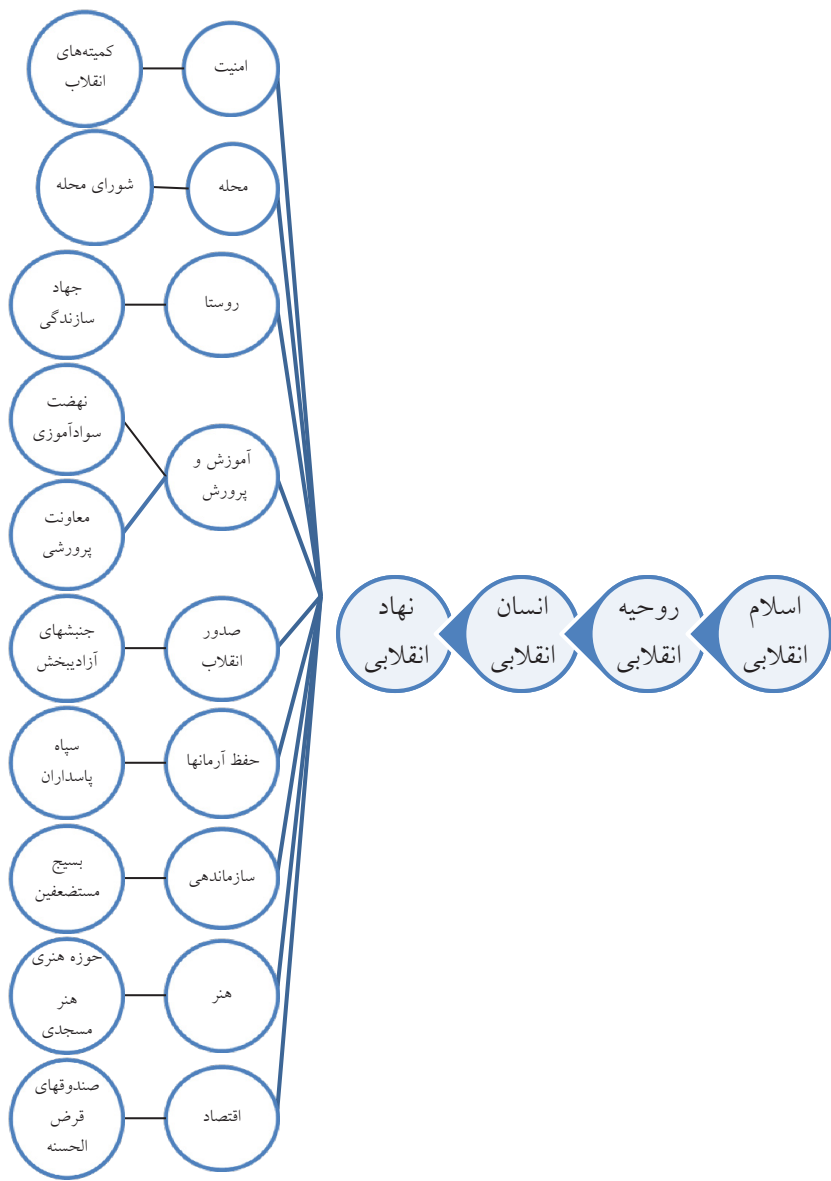


عرصه درانداختن طرحی نو در مسیر پیشرفت، عرصه بحث‌های ذهنی نیست. فهم عقلانیت الگوی پیشرفت از دل همین درگیری‌ها و تجربه‌ها برمی‌خیزد. سرنوشت انسان انقلابی با سرنوشت همه انقلاب به طرز شگفت‌آوری به هم وابسته‌اند. تجربه نهادهای انقلاب اسلامی بخشی از داشته‌ای است که در صورت پردازش می‌تواند مباحث نظری الگوی پیشرفت و دیگر گفتگوهای ضروری در باب انقلاب اسلامی را از غلط‌های بنیادین نجات دهد.

یکی از اولین ضروریات قدم نهادن به گام دوم، داشتن توصیف دقیق از گام اول انقلاب با تمام شیرینی‌ها و تلخی‌های آن است. یکی از سرمایه‌های مردم، تجارب و حافظه تاریخی آن‌هاست که برای یافتن مسیر صحیح در چهل سال آینده، به داشتن تحلیل درست از این تجارب نیاز است. انقلاب به حداقل‌ها اکتفا نمی‌کند؛ بر همین مبنا بازخوانی تاریخ و تجربه گرفتن برای گام بعدی کار مثبتی است؛ ولی اگر صرفاً برای ایراد گرفتن و بهانه‌جویی از دیگران باشد، اهمیت خود را از دست داده است.

بنابراین، تغییر جدی در جامعه ایرانی و ساخت نظام پیشرفته الگویی به‌عنوان هدف محوری در گام دوم حرکت انقلاب اسلامی و به تبع آن، تغییر در مخاطب جهانی از خلال جدی گرفتن تفکر و تجربه انسان انقلابی می‌گذرد. ما به جزئیات این علم تجربی برای ریل‌گذاری مسیر جامعه در چهارچوب امام-امت نیازمندیم.





نگاره ۴: عرصه های متنوع نهادی مردمی - انقلابی

۴) راهبردهای بازخوانی تجربه نهادهای مردمی - انقلابی

متناسب با طرح بحثی که درباره ضرورت و جایگاه نهادهای مردمی انقلاب اسلامی و نسبت آن با بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بیان کردیم، به نظر می‌رسد راهبردهای ذیل می‌تواند محقق‌کننده این هدف باشد. این راهبردها باید به صورت هم‌زمان با یکدیگر دنبال شوند تا بتوانند اثرگذار باشند.

۴-۱) نهضت تولید محتوای (تاریخی - امروزی) نهادهای مردمی

زمان برای ثبت تجربیات تاریخی نهادهای مردمی به سرعت در حال گذشت است و بسیاری از مشارکت‌کنندگان در این تجربیات جمعی، یا در قید حیات نیستند یا چیزی به خاطر نمی‌آورند؛ به همین دلیل باید به صورت گسترده در کل کشور و به صورت جریانی در مدت زمان کوتاه این اتفاق رقم بخورد. تأکید رهبر انقلاب ^{مدظله‌العالی} بر هزار برابر شدن نیروهای فعال در این حوزه، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این حرکت برای تثبیت هویت نظام اسلامی است. از این حرکت به «نهضت تولید محتوای مردمی» تعبیر می‌کنیم.

همچنین، باید به ثبت تجربیات در حال رقم خوردن نهادهای مردمی به صورت هم‌زمان توجه شود، به عنوان نمونه نهاد جهاد سازندگی گرچه در وزارتخانه کشاورزی ادغام شد و عملاً از میان رفت؛ اما به طریقی در نهاد اردوهای جهادی به حیات خود ادامه داد. ثبت این تداوم یکی از ضروریات محسوب می‌شود.

یکی دیگر از ابعاد ثبت تجربه تاریخی نهادهای مردمی انقلاب اسلامی، نوع تعاملی است که ساختارهای جمهوری اسلامی با این نهادها کرده‌اند. علاوه بر آنکه باید وضعیت نهاد در ستاد و صف توصیف شود، باید تجربه نحوه تعامل این نهادها با نهادهای رسمی حاکمیتی نظام نیز ثبت گردد؛ چون در هر صورت، بازیابی و احیاء نهادهای مردمی در زمان فعلی نیز ناگزیر از تعامل و ارتباط با نهادهای رسمی است. این امر زمانی ضروری تر به نظر می‌رسد که بسیاری از نهادهای مردمی امروزی نیز قدرت و زبان تعامل با این نهادها را ندارند و به همین دلیل نمی‌توانند از ظرفیت‌های آنها استفاده کنند و از این ناحیه آسیب‌پذیر می‌شوند، البته باید متذکر شد که نهضت ثبت تجربه نیز باید مردمی باشد، وگرنه با روال‌ها و سازوکارهای معمول اداری به سرانجام نخواهد رسید.



هنگامی که از نهضت تولید محتوای مردمی سخن می‌گوییم، به یک فرایند اشاره می‌کنیم. تولید محتوا محدود به متن و جمع‌آوری اطلاعات نیست؛ اما جمع‌آوری محتوا، مرحله اول و زیربنایی برای هر فعالیت دیگر است. با توجه به کمبودها، فعلاً این مرحله از نهضت تولید محتوا اولویت بیشتری دارد. به جز جمع‌آوری اطلاعات، به سه مرحله دیگر نیز در عرصه نهضت تولید محتوای مردمی باید اشاره کرد:

۱. الگویابی و نمونه‌سازی؛
 ۲. گفتمان‌سازی رسانه‌ای؛
 ۳. تدوین راهبردهای اجرایی.
- در ادامه به تفصیل این محورها می‌پردازیم.

۴-۲) تبیین الگوی نظری و نمونه‌سازی نهادهای مردمی

در برخی موارد، توصیه و گزاره‌های منفرد، چندان کارایی ندارند و نمی‌توانند با مخاطب ایجاد ارتباط کنند و مخاطب هم توجه چندانی به آن‌ها نخواهد کرد. در این موارد باید یک الگوی عینی و یک نمونه در دسترس ارائه شود، به عنوان مثال در خصوص مجالس عروسی و عزا، بیش از آنکه توصیه‌هایی نظیر دوری از محرمات، اسراف و تفاخر کارا باشد، ارائه یک مدل عینی مطلوب لازم است.

داده‌های مستخرج از نهضت ثبت تجربه، خام هستند و نیاز است که فرآوری روی آن‌ها صورت بگیرد؛ بنابراین، کوشش برای استخراج و تبیین الگوی نظری حاکم بر نهادهای مردمی اهمیت ویژه‌ای دارد و نحوه تبیین آن در انجام گام‌های بعدی نقشی اساسی ایفا می‌کند، همچنین نمونه‌سازی‌ها مبتنی بر الگوی مستخرج در اشاعه و تثبیت آن بسیار مؤثر است. روش کار در این بخش بدین صورت است که مجموع سه خروجی با یکدیگر ترکیب می‌شود و به‌عنوان پایه‌ای برای تبیین الگوی نظری نهاد مردمی قرار می‌گیرد.





نگاره ۵: الگوی نظریه انقلاب اسلامی در حوزه خاص

مبتنی بر تجربه نهاد مردمی

۳-۴) گفتمان‌سازی مدل نهادهای مردمی در حوزه رسانه‌ای (در سطح کلان و خرد) هنگامی که اطلاعات جمع‌آوری شوند، آنگاه می‌توان برای عرضه آن‌ها در قالب‌های مختلف رسانه‌ای برنامه‌ریزی کرد. برنامه‌ریزی جهت اینکه محتوای تولیدشده در چه قالب‌هایی می‌تواند عرضه شود و به چه صورتی می‌تواند به دست مخاطب برسد هم قسمتی از نهضت تولید محتوا محسوب می‌شود. در فضای جنگ رسانه‌ای موجود، این امر بسیار ضروری است. کمیت تولیدات رسانه‌ای هم‌زمان با کیفیت‌شان اهمیت دارند؛ بنابراین، محتوای تولیدی درباره نهادهای مردمی انقلاب باید در قالب‌های عکس‌نوشت، متن در فضای مجازی، فیلمنامه و... منتشر شود.

۴-۴) تدوین راهبردهای اجرایی مبتنی بر الگوی نظری (در سطوح کلان و خرد)

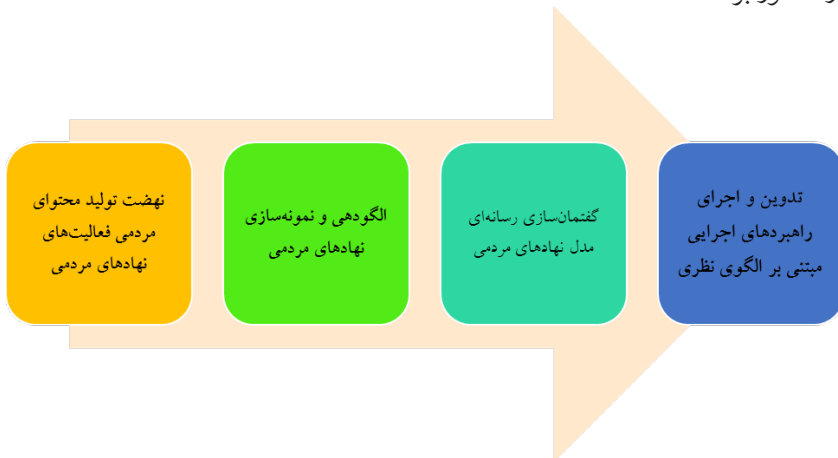
در گام چهارم، حرف اساسی آن است که تا نتوانیم کاربری امروزین تجربیات انسان انقلابی در نهادهای مردمی را نشان دهیم، کارآمدی این حرکت برای مخاطب متأثر از فضای



حکومت‌داری مدرن و جذابیت ظاهری فن‌سالاران چندان موجه جلوه نمی‌کند؛ به همین دلیل باید بتوان متناسب با الگوهای مستخرج از تجربیات، راهبردهای کارآمد و راه‌گشا برای مجموعه حاکمیتی در سطح کلان مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و... یا در سطح خرد مانند فرمانداری‌ها، ادارات کل شهرستان‌ها و... به بهینه‌سازی و افزایش اثرگذاری آن‌ها کمک نمود تا ضمن اعتمادسازی، هدف محوری گام دوم انقلاب اسلامی را محقق نمود.

بنابراین، بعد از استخراج الگوی نظری نهادهای مردمی مستخرج از تجربه زیسته انسان انقلابی، این الگوها برای نظامات کلان و خرد حاکمیتی و علمی تبیین شود. مقدمه این امر نیز آن است که الگوهای مستخرج باید به نهادهای علمی کشور عرضه شوند تا با کارها و فعالیت‌های علمی (مانند مقالات، پایان‌نامه‌ها، پژوهش‌ها و...) این تجربه مبدل به نظریات و متون علمی شود تا بتوان سنتی علمی را بر این مبنا پایه‌گذاری نمود؛ به همین دلیل تدوین رشته‌ها و دوره‌های دانشگاهی مبتنی بر محتوای مستخرج از نهضت ثبت تجربه نهادهای مردمی در امر تثبیت آن بسیار مؤثر است.

با تجمیع همه این خروجی‌ها می‌توان امیدوار بود که تصمیم‌سازان کلان نظام بتوانند با اتکا بر معرفت دقیق و جزئی تجربیات بومی در حوزه نهادی مردمی، به تصمیمات کلان در اداره کشور برسند.



نگاره ۶: راهبردهای بازخوانی تجربه نهادهای مردمی انقلاب



نتیجه‌گیری

تجربه انقلاب اسلامی بر سه پایه امام، انسان انقلابی و نهادهای مردمی-انقلابی استوار است. از میان این سه مؤلفه، بازخوانی ابعاد و مؤلفه‌ها و استخراج الگوی نهادهای مردمی-انقلابی دارای فوریت و اولویت است. این امر اولاً به دلیل غفلت تاریخی نیروهای انقلابی از ثبت و بسط تجربه زیسته این نهادها رخ داده است. این غفلت ناشی از چهار عامل: محدود شدن مفهوم جمهوریت، ضعف در ضریب رسانه‌ای، عدم مواجهه علمی با اندیشه امامین انقلاب اسلامی و غربزدگی و بایکوت جامعه علمی کشور نسبت به تجربیات رخ داده است. ثانیاً، آغازین مرحله در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی، وصول به دولت اسلامی و جامعه‌سازی است. بازخوانی تجربه نهادهای مردمی انقلاب اسلامی به ما این امکان را می‌دهد تا بتوانیم براساس تجربه‌ای که در این زمینه اندوخته‌ایم، نهادسازی‌های دقیق‌تری متناسب با گفتمان انقلاب اسلامی انجام دهیم.

ثالثاً، این تجربیات در قالب‌های متنوعی تا به امروز در حیات جامعه ایرانی استمرار یافته‌اند که ضروری است برای تکمیل، آن تجربه نیز ثبت و بررسی شود.

برای تحقق این امر حیاتی، راهبرد محوری این پژوهش، نهضت تولید محتوای مردمی پیشنهاد شد که شامل ۴ مرحله جمع‌آوری محتوا و اطلاعات، الگودهی و نمونه‌سازی، گفتمان‌سازی از طریق خروجی رسانه‌ای و تدوین راهبردهای اجرایی مبتنی بر الگوهای مستخرج از نهادهای مردمی است.

منابع

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۱). سایت خامنه‌ای دات آی. آر.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۹۳). *صحیفه نور*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- ج ۲۱.
- فردرو، محسن (۱۳۸۹). *نهادهای مردمی و فرهنگ عمومی*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نامخواه، مجتبی (۱۳۹۵). «فرهنگ و سیاست‌گذاری در سال‌های اولیه پس از انقلاب: درآمدی بر مطالعه نهادهای انقلاب اسلامی». سایت طبقه سه.
- یزدانی، جمال (۱۳۹۷). *در مکتب مصطفی*. راهیار.



